



(استاد کفیل - انتظار و افق منتظرین - 94/8/27 در جمع طلاب)

در روایت داریم **الدعا یرد القضا**، در روایت داریم بنا بود بر بنی اسرائیل 400 سال بلا نازل بشه به ضجه و گریه و دعای مردم خدا 170 سال تخفیف داد، بعد امام صادق می فرمایند: **هكذا اتم لو فعلتم لفرج الله عنا**... مثل شما همینجوریه اگر جدی فرج را خواستید ظهور رخ میده و **الا ینتهی الامر الی منتهی**. فرد تا هرچی میتونه دعا کنه، جدی هم دعا کنه، این طور هم نیست که میگن یک جمعه یدگر گذشت و نیامدی، بزرگواران! امام زمان روبروی ما نشسته اند بگن فرجم به دست شماست. از وضع حادثه، ظهور امام مهدی را شیعه ی دوران غیبتم رقم می زنه، و ما شده ایم شیعه ی دوران غیبت! برکت ظهور مال میلیاردها انسانه، دنیا از ظهور حضرت بهره می بره اما ظهور رو کی رقم می زنه؟ ظهور رو من شیعه در دوران غیبت رقم میزنم ببینیم باید چیکار کنیم؟ این دیگه برنامه ریزی ش با خودتونه! من چیکار کنم ظهور نزدیک بشه؟! من چه برنامه ای باید داشته باشم!

به ما گفتند اگه می خواهی فرج را محقق کنی باید افق داشته باشی!

اگه می خواهی زندگی مهدوی داشته باشی باید افق داشته باشی! اصلا به ما گفتن آدمی که افق نداره نمی تونه حرکت کنه، نمی خوام بگم: مطالعه داشته باشید، آی مردم قدر لحظات تون رو بدوینید، عمرتون رو تلف نکنید، بعدا پشیمون می شید... میگم آدمی که افق نداره باید شبی 8 - 9 ساعت بخوابه. طوری هم نیست، بخوابه. آدمی که افق نداره باید شبی دو سه ساعت بشینه گپ بزنه، گپ نزنه چیکار کنه؟! آدمی که افق نداره باید راحت و ریلکس زندگی کنه اما این افقه که سبب میشه مدل زندگی ادم تغییر پیدا کنه.

یه شب قدری توی یکی از این دانشگاه ها یه جوونی گفت حاج آقا یه دعامون می کنی گفتم چی؟ گفت: دعا کن یا بمیرم یا فوق لیسانس قبول بشم! گفتم الان چند هزار تا تو مسجد نشستند من پیام برای فوق لیسانس تو دعا کنم؟! ده دقیقه برام از فضیلت فوق صحبت کرد گفت یا مرگ یا فوق! ما گاهی بهمون میگن برای چی اومدی طلبه بشی؟ میخوام برم عقیدتی سیاسی ارتش میخوام برم نمایندگی سپاه میخوام برم امام جمعه بشم... بسمه دیگه، همین مقدار که یاد گرفتم کافیه. اما حضرت مهدی به همه ی من و شما پیغام دادند، فرمودند افقت باید رهبری در حکومت من باشه. حضرت گفتند نمی خواد فقط برای ظهور من دعا کنی وقتی میخای برای ظهور من دعا کنی **بگو اللهم انا نرغب الیک فی دولة کریمه و تجعلنا فیها من الدعاة الی طاعتک و القادة فی سبیلک!** خدایا منو در دولت حضرت، رهبرم کن! می خواهی چیکاره بشی؟! میخوای نویسنده بشی، میخواد استاد بشی، می خوای ورزشکار بشی، .. هر کاری می خوام بکنم اما اقم رهبری در حکومت حضرت مهدی ست، آیا این بلند نظری ست؟ خیر! خود حضرت فرمودند دعا کن توی حکومت من دعوت گر باشی! بزرگواران افق ما توی این دنیا اینه که رهبر بشیم افق ما اینه که صبح ها در دعای عهد می خوانی، میگن: اللهم ان حال بینی و بینه الموت و اخرجنی من قبری ... می خوام برگردم. من برمی گردم من می خوامم اگر زنده نبودم و امام آمد منم برگردم! کسی که تمام دغدغه اش اینه، این آدم مدل زندگیش فرق می کنه...

استادی می گفت رفتم خدمت آیت الله بهجت گفتم امشب یه ده دقیقه باهاتون کار دارم میخوام پیام منزل، مطلبی رو عرض کنم خدمت تون، آقای بهجت یه نگاهی بهشون کردند فرمودند "شما شب درسی میرسی 10 دقیقه بیای جای ما؟! (من جاخوردم!) بذار آخر هفته تعطیلی" ایشون میگه یک

دقیقه هم وقت ندارم، هیچی وقت ندارم! چرا اینطور گفتند؟ چون افق دارند! تازه نگفتند وقت من گرفته میشه گفتند تو مگه وقت می کنی؟! کسی میتونه از عمرش استفاده کنه که افق داشته باشه! ما واقعا داریم زندگی می کنیم که چی بشه؟

توی ختم آیت الله بهاء الدینی آقای فاطمی نیا رفتند منبر، گفتند "آقای بهاء الدینی توی برزخ مقام داره" یک کسی اومده توی دنیاه پست بگیره، یک کسی توی برزخ پست داره! به کسی رسیدم گفت من دنبال مقام می گردم گفتم دیگه از تو گذشته گفت نه دلم میخواد مردم به پستی داشته باشم! یه کسی افقش اینه! خدایا من دلم میخواد بعد از مرگم جایگاه داشته باشم!

یه جمله ی عجیبی خیلی برای خودم نگران کننده بود و از جهتی هم خوشحال کننده: از یکی از اساتیدی شنیدم اینکه میگن شهدا **ولا تحسبن الذین قتلوا فی ...** یکی از اساتید گفتم احیا یعنی چی؟ همه زنده اند توی برزخ مگه کسی مرده است؟! همه جون ما می میره اینجا مرده است توی برزخ چیه؟ زنده است. گفتم شهدا زنده اند یعنی چی؟ خب پدر بزرگ ما مرده اما اونجا زنده است. ایشون گفتند احیا یعنی شهید توی عالم برزخ بالا میره، گفتم همه بالا میرن. ایشون میگفت ببینید مثل اینکه الان کسی بهمون صبحانه میده یه غذایی می خوریم، یه کسی 5 هزار تومن میده میره یه آب میوه ای می خوره! توی برزخ برای ما لعام می فرستند صله میدن، کسی برای ما کار خیری انجام میده خیرش به ما میرسه اما شهید توی برزخ بالا میره، بالا میره 10 - 20 بیست هزار تومنی، نه دو تا قلمان و حوریه براش بیشتر کنن، عین دنیا که ما قابلیت تغییر داریم شهید در عالم برزخ قابلیت تغییر داره، در واقع این استاد حرفش این بود که ما توی برزخ دیگه عوض نمی شیم، این وا مصیبتیه! ما بعضی وقتها چهار تا خیرات بهمون میرسه چهارتا صدقات بهمون میرسه یه شب یه شام خوبی می خوریم یه شب یه غذای خوبی می خوریم اما جایگاه مون جایگاه عوض شدنی نیست، اصلا تمام جایگاه برزخ و قیامت توی دنیا رقم می خوره یعنی من وقتی رفتم دنیا، کجا وارد میشم شما میگی من توی این خونه به دنیا آمدم این خونه خونه ی محرومی بوده حالا یه وقت یه کسی کمک میکنه یه غذای خوبی هم می خوره اما ذات این خونه ذات محرومیه، ما اگه محروم وارد برزخ بشیم محروم می مانیم ولو اینکه گاهی چیزی هم بخوریم. اما کسی افقش صاحب مقام بودن توی عالم برزخه، بهش می گن می خوای چیکاره بشی؟ میگه من یه اشتباه بکنم یه درجه اونجا عقب می افتم! روایت داریم یه شوخی با نا محرم 1000 سال آدم و توی برزخ عقب میندازه، دختر خاله ای می بینه ... خانم نامحرمی می بینه یه جمله میگه رد میشه، منو جهنم می برن نه، بهشتم نمی برم نه، می برند، عقب میفتم.

انسان منتظر، افق داره تو زندگیش، انسان منتظر زندگیش همراه با افقه، افقش هم جهانبه، شما صبح ها دعای عهد می خونید می گید **اللهم بلغ مولانا...** بعد می گید **عن جمیع المومنین و المومنات** اصلا به ما یاد دادند اول صبح که می خوای دعای عهد بخونی سلام نده اول از طرف خودت، اول از طرف مومن اروپایی سلام بده، از طرف مومن آفریقایی سلام، اینقدر بلند نظر بشه آدم که **عن جمیع المومنین و المومنات...** چقدر افق بلنده؟! اونوقت آدم با خانواده اش بحث کنه که سفره رو تو باید بندازی یا من؟! اصلا نمیگم سر من کلاه رفته یا نرفته، یه وقت این دیالوگ گیره، وقتی دهن من باز میشه، همین جمله از دهن من خارج میشه: تو چه کردی من چه کردم تو اینجوری شدی من اینجوری شدم، توی افق بلند اصلا من و تو نمی بینه توی افق بلند اصلا خود نمی بینه! اصلا ظهور یعنی تبدیل خود محوری به خدا محوری! اصلا ظهور یعنی خود را ندیدن، ظهور یعنی امنیست و فرد گرایی و انسان محوری، حذف شدن...

روی کاغذ بشینیم بنویسیم می خواهیم چیکاره بشیم؟

توی دانشجویها میگم آگه می خوای لیسانس بگیری شبا باید چیکار کنی؟ باید خوش باشی! چرا درس بخونی! چرا کتاب بخونی! تو می خوای ارشد بگیری بری، می خوای لیسانس بگیری بری، یه کم بیشتر بخون قبول میشی، اون افکش ارشده تو اون افق همون کاری که داره می کنه خوب انجام بده توی اون افق تابستونش هم تعطیله جمعه اش هم تعطیله عیدش هم تعطیله

اما من آمده ام رهبری کنم چون آمده ام رهبری کنم گام برمی دارم... آیت الله خزعلی خدارحمتشون کنه خطاب به طلبه ها می فرمودند شبها می خوابید خواب شما باید با خواب بقیه مردم فرق کنه، بعضی وقتی می خوابن میرن توی افسانه و خیال! می فرمود شماها وقتی می خوابید باید تجزیه و ترکیب تون شروع بشه... توی بستر خواب هم ذهن شما باید علمی باشه یعنی شما وقتی استراحت کردی خواب رفتنت با تفسیر یا تجزیه ترکیب سوره ی والضحی باشه...

آیت الله گلپایگانی فرموده بودند: من روزی یه صفحه قرآن میخونم یه آیه اش رو انتخاب می کنم، هر چی وقت پیدا کردم روی اون آیه فکر می کنم، استادی می فرمودند من یک دور آثار شهید مطهری رو خوندم و توی مدت کمی هم خوندم؛ فقط توی مدتی که استاد دیر میومد از همین 5 دقیقه ها و 10 دقیقه ها مطالعه می کردم... ایشون الان یکی از موثرین حوزه است؛ او افق داره، اینو انجام بده، اونو انجام نده، بشینیم افق مون رو تعریف کنیم، واقعا می خواهیم به چی برسیم؟

یکی از اولیای خدا چندی پیش ازشون تو اصفهان شنیدم (پیرمردی ست از اولیای خداست انصافا و خیلی عمرشون با برکت بوده)، میگه تمام آرزوم اینه که به من بگن آمدی و رفتی، یک ثانیه ظهور رو نزدیک کردی. به من بگن ثمره ی وجودی تو توی این عالم این بود که دقیقه ای فرج رو نزدیک کردی، چقدر خوبه آدم داره از دنیا میره بهش بگن برکت عمرت این بود که ظهور آقات رو نزدیک کردی

گام بعدی اینه: انتظار یعنی دغدغه ی دین داشتن

اصلا شاخص انتظار چیه؟ الان زمان ما کی منتظره الان اعلام میکنن «ما می خواهیم سه منتظر رو کربلا ببریم ما می خواهیم سه منتظر را تشویق کنیم» منتظر کیست؟ امام صادق کار ما رو راحت کردند فرمودند منتظر عین مجاهده، فرق مجاهد با بقیه اینه که مجاهد دغدغه دین داره

در پرواز با حاج آقای صدیقی کنار هم قرار گرفته بودیم، ایشون هم حوزه ی علمیه دارن تهران، گفتم حاج آقا الان حوزه های علمیه عزیزانی رو جذب می کنند که دغدغه ی دین دارن اما چقدر خوراک دین داره داده میشه، یعنی شما این ادبیات، براتون واجب و ضروریه، این دعا و سینه زنی و واجب و ضروریه اما یه کسی میگه خدایا من می خوام به داد دین برسم می خوام یه بتونم یه برای رو خوب بردارم، در زمان اهل بیت هر امامی بررسی میکرد "جامعه الان به چی نیاز داره؟" همون بار رو برداشت یه کسی می گه من توانم اینه رو ی فلان بحث کار کنم، یه کسی میگه من توانم اینه در فلان جا حضور پررنگی داشته باشم، یه کسی میگه من توانم اینه فلان رشته کار کنم... در بین فعالیت های روزمره زندگی مون روی یه موضوعی متخصص

بشیم، گاهی ما می ریم کتابخونه گیج می زنیم هر بار به کتابی به دست می گیریم که خط و سیر موضوعی خوبی نداره، الان در جامعه افرادی مفید ترند که در یک موضوع بطور تخصصی کار کرده اند... الان همه اطلاعات کلی دارند جامعه ی ما دنبال تخصص می گرده برای این تخصص کنار خوب کار کردن تون در هر جایی که هستید ده دقیقه وقت بگذارید. کنار خوب کار کردن تون، کنار کارهای دیگه تون...

انتظار یعنی دغدغه دین داشتن؛ فیلم مختار رو که دیده اید؟ وقتی این خبیث ملعون سر امام رو از بدن جدا کرد خدا همه ی اینها رو داشت نظاره می کرد، خدا همه اینا رو داره تحمل می کنه و خدا همه ی اینها رو تحمل کرد تا دین بماند خدا شهادت حسین عزیزش رو تحمل کرد خدا شهادت صدیقه ی طاهره را به جان خرید تا دین بماند، برای احیای دین حرکت کنیم! منتظر یعنی عمل به جمله ی مولی موحدین کردن که « **لَا وَجَلَ لَكَ** **مَأْمُومٍ إِلَّا مَا يَشَاءُ بِهٖ وَيَسْضِيهِ** **بِئْرٍ عَلِمَهُ** » هر مامونی به امام داره باید به امام اقتدا کنه عزیزان دغدغه ی اهل بیت ما چی بوده؟ اینکه دین بماند. اگه سر کوچه ی ما، به کسی نماز نمی خونه به خاطر اینکه من دغدغه ی دین نداشتم! اگه من دغدغه ی دین داشتم اگه منتظر حقیقی بودم به جوری اون رو با نماز رفیقش می کردم دغدغه دین یعنی اگه برای به ثانیه هم که شده به گناه رو هم کم کنه می ارزه یعنی شما سبب بشی به عزیزی یک گناه مرتکب نشه.

ما نیامدیم برای خودمون! فقط دین، دین، دین، دین... من معمولا توی جمع عزیزانی که مشهد هستند میگم شما میرید حرم امام رضا چه می کنید؟ به کسی میگه، میرم حرم جامعه می خونم امین الله می خونم به کسی میگه ... می گم اگه هفته ای به بار می رید حرم، به کسی میگه زیارت من نیم ساعت طول میکشه، در خواست می کنم، خواهش می کنم 20 دقیقه ات زیارت باشه 10 دقیقه برای دین با نگاه دین ... بشینیم با به کسی از زائرین 10 دقیقه حرف بزنیم، می خوامی به ساعت توی حرم بمونی 10 دقیقه اش با به جوان هم سن و سال خودت بشین و صحبت کن، بعد از درگیر نشی و شماره موبایل رد و بدل می کنیم و من کمکت می کنم، نه، (ماها گاهی به دلیل کوچک بودنمون اسراف می کنیم! کار رو خراب تر می کنیم)، خوب درس بخون تا بتونی به درد دین بخوری، زودتر اگه وارد وادی شدی زمین می خوری، مشاوره و حل همه ی مشکلاتش، نه، یا امام رضا! من 20 دقیقه انرژی می گیرم 5 دقیقه انرژی میدم، دو تا حرف قشنگ بزنه، به روایتی بخونه، ... بعد وقتی آمد خونه، اینجا هم وقتش تلف نمیشه میگه باید چیکار کنم تا بتونم پاسخگو باشم... به داد دین برسیم به انتظار یعنی مجاهدت

انتظار یعنی خودسازی :

اگه منتظر عین مجاهده اگه منتظر دغدغه دین داره اگه منتظر همه ی وجودش دینه، باید بار خودش رو بسته باشه... توی حرم چند وقت پیش داشتم زیارت نامه می خوندم به جوانی بغل دستم خیلی گریه می کرد خیلی گریه می کرد، به وقت سرش رو آورد بالا به نگاهی به من گفت، گفت حاج آقا من به گناهی کردم - مثل ابر بهار گریه می کرد - گفتم عزیز چی کار کردی؟ گفت دیشب غیبت کردم. با خودم گفتم: غیبت که چیزی نیست! گفتم برای به غیبت داری اینقدر گریه می کنی گفت آره، گفتم برو استغفار کن. گفت حاج آقا این کارا رو می کنم ولی من شنیدم آدمی که گناه می کنه امام زمان ناراحت میشه، من دیشب تا حالا ناراحتم که امام رو ناراحت کردم! الان اومدم امام رضا رو واسطه کردم. من دنبال چی می گردم توحرم؟! اونوقت این جوان دانشجو دنبال چی می گرده؟! اون جون ادامه داد که : اگه امام زمان از پدرمون به ما مهربون تر، اگه از مادر به ما دلسوز تره ما به گناهی انجام بدیم

ایشون چی می کشه؟! آمدیم به امام زمان بگیم من میخوامم تو را اذیت نکنم... شما تصور کنید امام زمانی که بابای همه ی عالمه چی میکشه؟؟ مثل پدری که ده تا بچه داشته باشه، از 9 تاشون فقط مشکل ببینه، بدی می بینه و درد می کشه آی منتظره دهمیه بهش انرژی بده، یه کاری انجام بدیم یه حالی به حضرت مهدی بدیم...

آمد خدمت آیت الله بهجت ره (از حرم آمدند بیرون، توی خیابون امام رضا داشتند می رفتند) یه طلبه ای اومد گفت چیکار کنیم فرج بشه؟ **روزی یک صفحه معراج السعاده بخوان و بهش عمل کن**. یادمه یه موقعی توی حرم امام رضا یه کسی پرسید چیکار کنم گناه نکنم بهش گفتم: انرژی بگیر، انرژی بگیر؛ آدم وقتی گرسنه باشه مجبوره گناه کنه، آدم هر چی غذا بخوره و بیشتر سیر بشه، شیطان به سمتش نمیاد، شما هیات میاید، حرم می رید اما اینها دور دوران بلوغ آدم رو خط نمی کشه، اینها دور غرائض ما رو خط نمیکشه! فقط یه راهکار داریم، تنها راهکار اینه که آدم بیشتر سجده کنه، اینکه آدم پیوند معنویش رو بالا ببره، پیوند معنوی پایین اومد آدم مجبوره چی کار کنه؟ گناه کنه! به اون جوون گفتم صبحها کله پاچه بخور! گفت چه ربطی داره، گفتم آدمی که کله پاچه بخوره دیگه دلش به غسل خامه کره مریا هر چی جلوت بذارن نگاهش هم نمی کنی چون سیری آدم گرسنه باید گناه کنه، گاهی پشت سیستم نشستی می خوای سایت خفن بری نگو شیطان برو گم شو، نفس اماره منو گولم زن، دادا زن! این صندلی رو بکش عقب یه شیرجه برو، برو سجده بگو **لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین**... غذا بخورید...

یه کسی خواب آقاسیدعلی آقای قاضی رو دیده بود، گفته بودند دلم می خواد به دنیا برگردم، پرسیدند چرا؟ گفته بودند: پیام بیش از روزی یکبار زیارت عاشورا بخونم! آقای قاضی توی برزخ میگه کم عاشورا خوندم! عزیزان! (همه چی امروز فراهم شده) هیچ بهانه ای آدم نداره، و هر روز نیاز جامعه به حوزه بیشتر میشه، و هیچ گروهی هم به اندازه ی حوزوی ها محبوبیت - واقعا - ندارند. باز هم عزیزترین، باز هم لازم ترین، خود آدم هر چی با جامعه انش بیشتر بشه نیاز به حوزه رو بیشتر میفهمه، حالا که اومدید طلبه شدید «**مخدوا ما اتیناکم قوه**» اینو آدم جدی بگیره و جدی وقت بگذاره، جدی سرمایه گذاری کنه، افقش رشد باشه، پیشرفت باشه، لغویات و لهویاتش کم بشه، نماز و عبادتش بیشتر باشه، یکی از رفقای طلبه چند وقت پیش گریه کنان پیشم آمد، گفتم چرا گریه می کنی؟! گفت: 20 ساله طلبه ام، 20 ساله نماز خواندم، 20 ساله اول وقت خواندم، 20 ساله مسجد رفتن، ولی بعد از 20 سال «آداب الصلاة» حضرت امام رو تازه دارم می خونم. غصه می خورد که چرا اول طلبگی «آداب الصلاة» نخوندم، «اسرار الصلاة» نخوندم! «سُر الصلاة» نخونده بود! تفسیر نماز رو نفهمیده، واقعا شروع کنید و میشه...

و خدا توفیق تون بده که توفیق هم داده، خدا کمک کنه بیشتر علم تحصیل کنید، بیشتر مطالعه کنید، بیشتر عبادت کنید، بیشتر وقت بگذارید و ذهنمون رو به هیچ جنبی ای درگیر نکنیم و همه وجودمون خدا بشه، خدا بشه و خدا بشه، دین خدا بشه... و همه دغدغه مون این باشه که برای دین یه باری برداریم که توی برزخ غریب نباشیم! خدا نکنه تو برزخ تنها باشیم! عزیزی می گفتند گاهی هفتصد سال طول میکشه که امام حسین رو توی برزخ ببینه! آدم بهشت بره همسایه ی امام حسین نباشه خیلی سخته! آدم بهشت بره جای ویژه ای نداشته باشه خیلی سخته! چند وقته پیش به عزیزی می گفتم (ان شالله خودم هم عمل کنم) شما دو شب می خوای بری یه شهری به عنوان مسافرت، خونه ی یه میلیاردی اونجا نمی خری! دو شب میری فوق خیلی پول دار باشی هتل می گیری، ما تو دنیا هر چی تهیه کنیم باز مسافریم، خدا کنه آدم سعی نکنه هیچی تو دنیا کسب کنه، همه اش برای برزخ و قیامت باشه...

السلام عليك يا ابا عبدالله، به روزه خودشون كمكمون كنن، **السلام عليك يا ابا عبدالله**، خدا كنه هميشه روزه بخوانيم، خدا كنه هر صبح و شام سلام به امام حسين بديم، خدا كنه دعای دائما پيوند داشته باشيم، خدا كنه اين ذهنمون پاك بشه، اين ظرف مون تميز بشه تا بتونيم نور امام حسين رو تو همين دنيا جذب كنيم، **السلام عليك يا ابا عبدالله، و على الارواح التي حلت بفنائك، عليك مني سلام الله ابا . . .**

استاد : كفيل (در جمع طلاب)

موضوع : انتظار و افق منتظرين

زمان : چهارشنبه 1394/8/27